

حدیث روز: <p>امام رضا(ع)، امین به تو خیانت نکرده و نمی‌کند ولیکن تو خائن را امین تصور نمودی.</p>	بحارالانوار
واحه: <p>لطف خدا بیشتر از جرم ماست نکته سر بسته چه دانی خموش</p>	حافظ
اوقات شرعی: <p>اذان ظهر: ۱۳/۴ اذان مغرب: ۲۰/۳۴ اذان صبح (فردا): ۴/۵۵ طلوع خورشید(فردا): ۵/۴۹</p>	وضعیت آب و هوای امروز <p>تهران ۲۴ / ۳۶ اردبیل ۱۴ / ۳۲ بندرعباس ۲۸ / ۴۱ بیرجند ۲۳ / ۳۷ رشت ۲۱ / ۳۵ خرم آباد ۱۴ / ۳۶ همدان ۱۲ / ۳۱ قم ۲۵ / ۴۱</p>

ج‌ام‌د‌ای

■ شاباه: ۳۶۳۷۰-ISSN1۷۳۵
■ پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۰ | ۲۰ شوال ۱۴۴۲ | صفحه ۲۰ سال بیست و دوم - شماره ۹۵۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - June 1, 2021

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹
■ تلفن: ۰۲۱-۳۲۰۴۰۰۰ | دورنگار تحریریه: ۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان‌شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۳۱۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

امروز در تاریخ:

🗓️ پایان تحمن روحانیون مشروطه خواهد در حرم شاه‌عبد‌العظیم و پایان تحمن مردمی که در سفارت عثمانی گرد آمده بودند. (۱۲۸۸ش)
🗓️ درگذشت پروین سلیمانی، بازیگر، (۱۳۸۸ش)
🗓️ درگذشت آندره آرزوماتیان، آهنگساز و نوازنده پیانو. (۱۳۸۹ش)
🗓️ انتشار پول کاغذی در ایران توسط گیخاتو فرمانروای مغولی (۶۹۳ق)
🗓️ وقوع زلزله وحشتناک و پرتلافت در شهر تکیوی ژاپن. (۱۹۳۳م)

حکمت ۲۵:

🗓️ ای پسر آدم، اگر دیدی خدای سبحان، نعمتش را پی‌درپی به تو ارزانی می‌دارد و تو نافرمانی‌اش می‌کنی از کيفراو بترس.

🗓️ **چگونه رئیس جمهوری شویم؟**

ماجرای مورچه، پل و سشوار

قسمت‌سوم 🗓️ پشتکار از مهم‌ترین مواد لازم برای پیروزی در انتخابات است و شما اگر بتوانید پشتکار را چاشنی دقت و سرعت‌کنید آن‌وقت می‌توانید خودتان را رئیس جمهوری ببینید. البته این جمله دقیقا به همین معناست که خودتان، خودتان را رئیس جمهوری می‌بینید و بقیه ممکن است به چشم دیگری به شما نگاه کنند. لکن مشکلی نیست چون از قدیم گفته‌اند در دهان مردم را نمی‌شود بست و شما هم برای مردم‌زندگی نکنیدوبیشتر تلاش کنیداز زندگی‌تان و ریاست‌جمهوری خودتان لذت ببرید. **ول نکن باشید؛** در زمینه انتخابات ریاست‌جمهوری شما باید همواره حکایت مورچه امپریتمور را نصب‌العین خودتان قرار دهید که ۳۹ بار دانه گندم را انداخت تا بالاخره بتواند آن را از دیوار بالا ببرد و هیچ‌کس نفهمید مورچه‌ها چرا بالای دیوار لانه‌درست می‌کنندوخب تو که نمی‌توانی بروی بالا، بیا همین جاری زمین لانه بساز. حالا کاری به این حرفه‌های داستانی نداریم ولی شما حواستان باشد که هیچ‌وقت خسته نشوید. چرا که انسان به امید زنده‌است. پس مهم نیست در ۴۰۶ دوره قبلی کسی به شما رای نداده، بالاخره سرشان به سنگ می‌خورد و می‌فهمند باید چکار کنند. حالا شاید این فهم، به عمر شما قد نداد اما بعد از ۱۲۰ سال درباره‌تان همیشه به نیکی یاد می‌کنند. چی از این مهم‌تر؟ **پل‌ها را فراموش نکنید؛** از قدیم گفته‌اند شکست‌پلی‌است به‌سوی پیروزی، خب‌قدمی‌ها حتما یک چیزی می‌دانسته‌اند که این‌را گفته‌اند. دست‌کم این‌که شما رئیس‌جمهوری نمی‌شوید ولی پل‌ساز خوبی می‌شوید و بعد از ۵۰۰ دوره شکست در انتخابات، شرکت توسعه پل‌های کشور را راه می‌اندازید. خلاصه که شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری، یک بازی دوسر برد است و باخت در آن معنا ندارد.

سشوار باغل کنید؛ یکی از عوارض جانبی پشتکار در امر انتخابات این است که خب بالاخره مردم چشم دارند و می‌بینند که شما نسبت به سال ۷۴، شکسته‌شده‌اید و این می‌تواند در آرایش‌تان تاثیرگذار باشد. پس اول از همه بروید و چین و چروک‌ها را سمپاده بزنید و دوسه لیتر بوتاکس بزنید زیر پوست تا همچین لپ‌هایتان گل بیندازد. سپس هفت هشت تا سشوار قوی بخريد و در هر فرصتی موهایتان را پوش بدهید برود بالا، چرا که مردم عاشق این کار هستند و اصلا اگر به تاریخ‌نگاه کنید همه‌روسای جمهوری پیشین همین کار را می‌کردند یا دوست داشتند بکنند که خب چون اکثرشان از برکت مو محروم بودند، نمی‌توانستند. شما ولی می‌توانید. 🗓️

گفت‌وگو با خسرو معتضد درباره تاریخچه اسکناس در ایران

اسکناس مانند پرچم است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

🗓️ آخرین بار که به اسکناس دست‌زدید، کی بود؟ احتمالا یک سال و نیم قبل. وقتی کرونا شایع شد و گفتند اسکناس بسیار آلوده‌است و می‌تواند یکی از راه‌های سرایت کرونا باشد، بیشتر مردم این کاغذ ارزشمند را از کیف و جیب و مرادوات پولی خود حذف کردند و ترجیح دادند به جای رد و بدل کردن اسکناس، از کارت‌های بانکی و نرم‌افزارهای پرداخت الکترونیک استفاده کنند و چنین شد که کیف‌های پول تقریبا خالی شدند. این تغییر سبک زندگی بیشترین آسیب را به دستفروشان زد که دستگاه کارتهخوان ندارند و بازار متکدیان را نخته کرد و در این میان البته آدم می‌ماند به بچه‌هایی که سر چهارراه‌ها شیشه ماشینت را تمیز می‌کنند تا پولی بگیرند، بطوری تفهیم‌کنی پول نداری و کلی خجالت بکشی وقتی بدون توجه به این که مدام می‌گویی پول ندارم به کارشان ادامه می‌دهند. در این موقعیت فقط خدا کند خوراک یا ماسک اضافی همراهت باشد که به آنها بدهی تا عذاب وجدانت کمی کم شود. کرونا آمد و بیشتر مرادوات پولی را دیجیتال و الکترونیک کرد و چنین به نظر می‌رسد حتی اگر کرونا مهار و دوره‌اش تمام شود باز هم عادت اسکناس خرج کردن ترک شده باشد.

🗓️ **حذف اسکناس، چه کاربردی**

خسرو معتضد که عمری است تاریخ می‌خواند و

سیر تصاویر روی اسکناس‌ها

زمانی که رضاخان، حکومت را به دست گرفت، بهش برخورد که اسکناس‌ها با عکس ناصرالدین شاه که قجری است، چاپ می‌شود آن زمان چاپ اسکناس به بانک ملی و بعد از آن به بانک مرکزی سپرده شد) و دستور داد اسکناس‌ها با عکس خودش چاپ شود. اولین عکس با کلاه پهلوی سال ۱۳۰۹ منتشر شد و بعد با کلاه گرد. اسکناس‌ها هم یک قرانی، یک تومانی، پنج تومانی و ۲۰ و ۵۰۰ تومانی منتشر می‌شد.

در زمان مصدق، اسکناس‌های بزرگ را حذف کردند چون می‌گفتند انگلیسی‌ها امکان دارد از این اسکناس‌ها علیه ایران استفاده کنند. اسکناس‌ها زیبا هم چاپ می‌شد البته دستگاه چاپ نداشتیم و در انگلیس و آمریکا چاپ و به ایران آورده می‌شد.

در دهه ۴۰ که چاپخانه اسکناس کامل شد، چاپ اسکناس هم کلا به ایران واگذار شد. چاپ اسکناس با اجازه دولت و مجلس است و نباید زیاد چاپ شود چون ارزشش کم می‌شود، اتفاقی که چند سالی است در ایران رخ داده و می‌دهد و ارزش پول کم شده‌ است.

حکومت کرد و اسکناسی را که در اصل در چین مرسوم بود و جنس آن از چرم بود به ایران آورد اما مردم زیر بار استفاده از آن نرفتند و قبول نکردند این تکه چرم را که رویش چیزهایی نوشته شده بود به جای سکه طلا و نقره قبول کنند و علیه گیخاتو قیام و سرنگونش کردند. اسکناسی که اکنون هم در ایران مرسوم است، ریشه روسی دارد. قبل از انقلاب روسیه، این کشور پولی داشت به نام «منات» که بین تجار ایران و روسیه رد و بدل می‌شد و اعتبار داشت و عکس شخصیت‌هایی مانند کاترین، الکساندر و بقیه روی آنها چاپ می‌شد. وقتی در روسیه انقلاب شد، منات ارزشش را از دست داد و در همان زمان خیلی از تجار ایرانی ورشکست شدند و برخی از آنها هم سکه‌ته کردند و مردند. کشورهای غربی به اسکناس می‌گویند نت‌بانک و زمانی که ناصرالدین شاه در اولین سفرش به اروپا با خود مقدار زیادی سکه طلا برد و از آنها استفاده می‌کرد به او گفتند این چه کاری است. بهتر است به جای حمل این همه طلا و سکه ارزشمند که هم جای زیادی می‌گیرد و هم سنگین است، از این کاغذهای ارزشمند (دسته چک) که اعتبار زیادی هم دارد، استفاده کنید. 🗓️

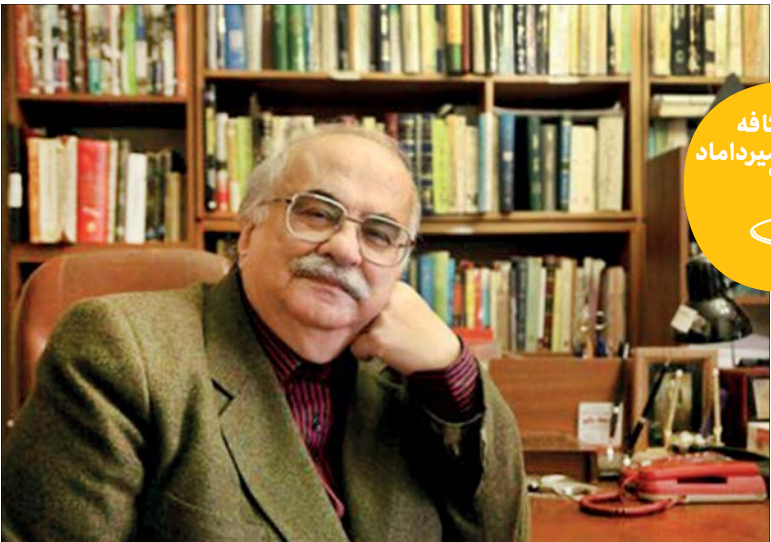
🗓️ **از اسکناس روسی تا نت‌بانک غربی**

امروز مصادف است با روزی که گیخاتو، یکی از فرمانروایان مغولی، یک جور خاص از اسکناس را وارد ایران کرد. معتضد می‌گوید: «گیخاتو یکی از آن فرمانروایان بی‌خودی بود که چند صبحی بر ایران



محمدرضا پهلوی هم عکس خودش را روی اسکناس‌ها چاپ می‌کرد و یک طرف آن را به زیبایی‌های ایران اختصاص می‌داد. بعد از پیروزی انقلاب، چون پول شاهنشاهی اعتبار نداشت، سال ۵۸ اسکناس‌ها را جمع‌آوری کرده، روی عکس شاه را سیاه کردند و مهر زدند تا اعتبار داشته باشد.

بعد که چاپ اسکناس مجوز گرفت اول عکس حوزه علمیه قم روی اسکناس‌ها آمد و ارزش‌های انقلابی. بعد از چند سال، عکس امام راحل روی اسکناس‌ها آمد و طرف دیگرش مثلا دانشگاه تهران بود یا مفاهیمی مثل جهاد سازندگی یا کارگران.



🗓️ **رویترها و تاسیس بانک در ایران**

ناصرالدین شاه از این پیشنهاد خوشش آمد و اجازه تاسیس بانک در ایران را به رویترا (ثروتمند یهودی آلمانی) می‌دهد اما چاپ اسکناس در ایران رایج نشد، چون باز هم مردم مقاومت می‌کردند و نمی‌پذیرفتند از یک تکه کاغذ به جای طلا و نقره استفاده کنند. ۱۶سال بعد پسران رویترا به ایران می‌آیند و بنامی‌شود معادن ایران به جز طلا و نقره را بگیرند و به جایش راه‌آهن سراسری در ایران راه‌اندازی کنند. رویترا بسیار کلاهبردار بودند و حاج ملا کئی و روحانیون دیگر با کمک مردم جلوی آنها را گرفتند و اجازه کار به آنها ندادند و این قرارداد به هم خورد. در سومین سفری که ناصرالدین شاه به انگلستان رفت، رویترا ناصرالدین شاه را تهدید کردند از او در دادگاه استکهلم شکایت می‌کنند. ناصرالدین شاه ترسید و اجازه تاسیس «بانک شرقی» را به آنها داد که کل این اتفاقات در کتاب «تاریخ بی‌خبری» منتشر شده است. بانکی در لندن تاسیس می‌شود به نام بانک شرقی ایران که خصوصی‌است و صاحب‌آن برادران رویترا هستند. دولت انگلستان که متوجه می‌شود ایران بانک ندارد و این بانک سود زیادی به جیب می‌زند، یک‌سال بعد ناصرالدین شاه روی آن بود. اسکناس‌هایی که در لندن چاپ می‌شد رویش نوشته بود در تهران نقد می‌شود. نمی‌توانستی این اسکناس را مثلا در رشت خرج کنی. در بانک‌شاهی تهران روی این اسکناس‌ها نوشته می‌شد در کدام شهر می‌تواند خرج شود و امضا می‌کردند. این اسکناس‌ها تا زمان رضاخان با عکس ناصرالدین شاه چاپ می‌شد. پشتوانه چاپ اسکناس‌ها هم جواهرات نادی بود و هست که از هند به ایران آورد. 🗓️

مقطع حساس کنونی مصنوعیت اشکبوس و باقی ماجرا

🗓️ اشکبوس هشتم، آخرین پادشاه سلسله اشکبوسیان. که به مدت ۵۰۰سال در نواحی ماوراءالنهر حکومت کردند و حکومت‌های محلی را به خاک سیاه نشان‌دند، پادشاهی محتاط و محافظه‌کار بود و همواره از توطئه‌های درباریان علیه خود می‌ترسید. وی پس از آن‌که به سلطنت رسید، طبیب سنتی مخصوص دربار را احضار کرد و گفت: همان‌گونه که آمد، من همواره از توطئه درباریان علیه خود می‌ترسم و بیم آن دارم که درباریان در غذایم سم بریزند یا نیمه‌شب وارد خوابگاهم شوند و پاره‌پاره‌ام کنند. وی افزود چگونه بر ترسم غلبه کنم و توطئه‌های احتمالی را دفع نمایم؟ طبیب سنتی گفت: شما باید خود را واکسینه کنید. اشکبوس گفت: یعنی چطوری؟ اشکبوس هشتم گفت: باید هرروز دوز کوچکی سم استفاده کنید تا بدتان ایمن شود و هر شب تیغی، شمشیری، چیزی به خود بزنید تا پوست‌تان کلفت شود. از آن پس اشکبوس هرروز طبق دستور طبیب سنتی مقداری تریاک استعمال کرد و هر شب با شمشیر ضرباتی به نواحی حساس بدن خود زد و پس از مدتی به حدی واکسینه و پوست‌کلفت شد که دیگر نه تنها هیچ‌سم و هیچ‌ضربه شمشیری در او اثر نمی‌کرد، بلکه هیچ خبر ناگواری وی را ناراحت نمی‌کرد و هیچ چیزی را به هیچ جایی از خود نمی‌گرفت. چندی بعد سپاه توران به ماوراءالنهر حمله کرد. اشکبوس هشتم خواب بود و وقتی بیدار شد که سپاه دشمن نیمی از سرزمین اشکبوسیان را اشغال کرده بود. اشکبوس هشتم وقتی خبر حمله دشمن را شنید نخست خشمگین شد و تصمیم گرفت سپاهیان خود را برای حمله به دشمن تجهیز کند اما بعد مقدار دیگری سم وارد بدن خود کرد و بر خشمش غلبه کرد و بار دیگر خوابید. به این ترتیب پادشاهی اشکبوسیان از طریق طب سنتی پایان یافت و پادشاهی تورانیان در سرزمین ماوراءالنهر آغاز شد و ۶۰۰سال بر این نواحی سلطنت کردند. 🗓️



می‌روم از سوپرمارکت آب معدنی می‌خرم! گفتیم آقا! آب وجود نداشته

باشد... گفت در یخچال سوپرمارکت‌ها همیشه آب معدنی هست! کجای کاری؟ در این دنیا همه چیز با پول قابل خریدن است! امروز که چشمم به عکس این گاومیش‌ها افتاد یاد حرف آرایشگر افتادم و به این فکر کردم که اگر گاومیش‌ها هم دست‌شان توی جیب‌شان می‌رفت می‌توانستند بروند سوپرمارکت و یک بسته آب معدنی بزرگ بخرند. آخر می‌دانید، توی یخچال سوپرمارکت‌ها

همیشه آب معدنی هست! ماجرای این مجموعه عکس که عکاس خبرگزاری ایرنا آن را ثبت کرده این است که دوربینش را برداشته که معضل کم‌آبی خوزستان را روایت کند. او می‌گوید در روستاهای حمیدیه خوزستان شغل اکثر مردم دامپروری و پرورش گاومیش است و گاومیش هم نیاز به آبی حمیم دارد که مدام در آن شنا کند تا هم سالم بماند و هم تشنگی‌اش برطرف شود. امسال که بارندگی‌ها کم است و از طرفی فاضلاب روستاها هم به رود کرخه سرارزی می‌شود، هم عمق آب به‌شدت کم‌شده و هم آب کرخه پر از فاضلاب روستایی شده و این باعث‌شده که گاومیش‌ها امسال علاوه بر تشنگی، با معضلاتی مثل افتادگی پوست و سقط‌جنین و چند جور بیماری حاد دیگر مواجه شوند و صدای این ریان‌بسته‌ها درنیاید. متأسفانه خطر خشکسالی جدی است و از آن بدتر ما سرپرستی حیوانات بی‌زبانی را به عهده گرفته‌ایم که از روی حق و انصاف، تامین آب و غذایشان را به گردن داریم و نکته تأسف‌برانگیز دیگر این که گاومیش‌ها نمی‌توانند در مواقع خشکسالی از سوپرمارکت آب معدنی بخرند.

آرایشگر، گاومیش و سوپرمارکت!

🗓️ آخرین بار که درباره بی‌آبی و خشکسالی بحث کردیم در آرایشگاه بود. منتظر نشسته بودم که کارمشری جلویی تمام‌شود و بینشیم روی صندلی اصلاح که برق رفت. آرایشگر شاکی شد که معلوم نیست این مسوولان چه کار می‌کنند که نمی‌توانند منابع برق مان را مدیریت کنند. چرا باید این وقت روز که آدم زیر آفتاب مغزی‌پخت می‌شود این‌طور برق برود و هم از کارمان بنامیم و هم از گرما کلافه شویم؟ بعد هم که چند نفر دیگر با این بحث همراه شدند موضوع گفت‌وگو رفت سمت این که اصلا این حرف‌ها چیست؟ کمبود انرژی کدام است؟ این‌ها همه‌اش حرف است. به آرایشگر گفتم امسال که بارندگی نیست امکان خشکسالی وجود دارد و در خطر بی‌آبی هستیم. آرایشگر هم خیلی مطمئن رفت سراغ روشویی و شیر آب را باز کرد و همین‌طور که آب می‌رفت، گفت: بفرما! این هم آب‌اکی گفته که مشکل کم‌آبی داریم؟! هر وقت شیر را باز کنی آب می‌آید. حواست را جمع کن که با این حرف‌ها سرت را شیره نمانند و آبی که حق مسلم توست را قطع کنند! گفتم اگر یک‌روز واقعا آب وجود نداشته باشد چه می‌کنی؟ گفت خب

علی زئوف

روزنامه‌نگار



عکس‌ها: ایرنا